با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

قطع برق در شهرک‌های صنعتی یعنی تعطیلی تولید

کجای دنیا برق یک شهرک صنعتی را ۲ روز در هفته، آن هم در ساعت اوج کار یعنی از ساعت ۸صبح تا ۸شب قطع می‌کنند. چه‌کسی پاسخگوی نظم بر هم ریخته کارخانجات تولیدی است. هفته‌ای ۲روز برق کل شهرک صنعتی ثامن‌الحجج جاده خاوران قطع می‌شود و کارگران سرگردان می‌مانند. عده‌ای را شب کار می‌کنیم آن وقت مجبوریم هزینه شبکاری بدهیم که خارج از هزینه‌های پیش‌بینی شده و مشکل‌ساز است. بماند که همه دستگاه‌ها نیازمند دقت بسیار و کارگران هوشیار هستند و شبکاری داستان‌های خودش را دارد. واقعا چه‌کسی مسئول این نابسامانی طولانی است و چرا کسی جلوی این وضع را نمی‌گیرد.

فلاح از تهران

سامانه‌های پرداخت آنلاین قبوض اغلب دچار مشکل هستند

این روزها تقریبا همه قبوض را باید آنلاین پرداخت کرد. متأسفانه سامانه‌های پرداخت آنلاین قبوض یا درست کار نمی‌کنند یا کندی سرعت دارند یا دچار مشکلات دیگر هستند. حتی مراجعه به کافی‌نت‌ها و افراد کاربلد هم نشان می‌دهد مشکل فقط از اینترنت کند نیست و اغلب آنها مشکلات زیرساختی و ضعف طراحی و... دارند. لطفا نسبت به رفع مشکلات سامانه‌های پرداخت اقدام شود.

فارسی از شیراز

کشتار مرغ و خروس در خیابان دردشت ممنوع شود

خیابان دردشت در نارمک تبدیل به کشتارگاه مرغ و خروس و ماکیان شده است و گذر کردن از برخی خیابان‌های این محلات واقعا عذاب‌آور شده است. از مسئولان شهری و بهداشتی تقاضا می‌شود جلوی این امر را گرفته و با خاطیان برخورد جدی کنند.

سالکی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

روغن موتور به قیمت دولتی عرضه شود

گرانی روغن موتور و عرضه محدود باعث شده است نتوانیم روغن موتور خودروها را به موقع عوض کنیم که ادامه این روند به ضرر شهروندان و خودروهایشان است. از مسئولان تقاضا داریم روغن موتور را به قیمت دولتی از طریق نمایندگی‌ها عرضه کنند تا این وضع پایان یابد و سودجویان نتوانند روغن موتور را با منت و چند برابر قیمت به مردم بفروشند.

سلیمی‌زاد از کرج

زباله‌گردها، پارک باهنر را قرق کرده‌اند

مدت‌ها قبل پارک باهنر واقع در بزرگراه شهید ستاری خیابان باکری محل تجمع زباله و گونی‌های زباله‌گردها بود. بعد از رایزنی با شهرداری و مسئولان نسبت به جمع‌آوری آنها اقدام و پارک برای عموم قابل استفاده شد. تا چند ماهی اوضاع خوب بود اما به تازگی دوباره سروکله این افراد پیدا شده است که با ماشین دارای آرم بازیافت، زباله‌گردی می‌کنند. از شهرداری منطقه۵ تقاضا داریم جلوی این افراد را بگیرد که جلوی مجتمع کورش در بزرگراه ستاری و پارک را پر از گونی‌های مملو از زباله بازیافتی کرده‌اند.

دوستی، بزرگراه ستاری

تهیه لوازم بهداشتی برای معلولان نخاعی بسیار سخت شده است

با گرانی‌های سال‌های اخیر وضعیت تهیه لوازم بهداشتی برای افراد ضایعه نخاعی هر روز سخت‌تر می‌شود. اکنون کمتر معلول ضایعه نخاعی وجود دارد که چنین مشکلی نداشته باشد و همه در سختی و تنگنا هستند. ضمن اینکه بسیاری از ناشنوایان مشکل سمعک و باتری دارند که به‌دلیل گرانی امکان تهیه آن را ندارند. از مسئولان بهزیستی و دیگر مسئولان تقاضای توجه به مشکلات این قشر را داریم.

پاکرو از بجنورد

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

آسفالت مناطقی از پاداد شهر اهواز نیاز به تعمیر دارد

وضعیت آسفالت در بسیاری از نقاط پاداد شهر اهواز نامناسب است خصوصا در فاز ۵ روبه‌روی بیمارستان امام‌علی(ع) که محل عبور دائمی دانش‌آموزان است. از شهرداری منطقه تقاضا داریم تا هر چه زودتر نسبت به تعمیر آسفالت‌های فرسوده و خراب اقدام کنند.

حیدری از اهواز

تخلف کرمان خودرو در تحویل خودرو به برخی افراد بررسی شود

به تازگی در خبرها آمده بود که شرکت کرمان خودرو تعداد زیادی خودرو را با ۴۰۰میلیون تومان تخفیف و بدون قرعه‌کشی به کارکنان سازمانی خاص داده است و این افراد هم حواله تحویل خودرو را با ۲۰۰میلیون تومان سود در بازار آزاد فروخته‌اند! بدیهی است اگر این خبر صحت دارد این اقدام خلاف قانون و عدالت است و جا دارد تا با قاطعیت جلوی این قبیل تخلفات گرفته شود تا موجب دلسردی مردم نشود و جلوی سودجویی عده‌ای که استفاده شخصی از این خودروها نمی‌کنند و صرفا جهت دلالی و کسب سود آن را تحویل می‌گیرند گرفته شود.

موذن از تهران

شبکه‌های سیما از پخش فیلم‌های خیلی قدیمی خودداری کنند

در یکی دو سال اخیر شبکه‌های آی‌فیلم و تماشا و نمایش که مخصوص نمایش و پخش سریال و فیلم سینمایی هستند بعضا فیلم‌ها و سریال‌هایی را پخش می‌کنند که حتی در زمان خودشان هم خیلی شاخص نبوده‌اند ضمن اینکه فرهنگ هر ۱۰سال و به قولی هر ۵سال و شاید زودتر در حال تغییر است و مسائلی که بعضا در فیلم‌های قدیمی وجود دارد امروزه یا منسوخ شده یا اصلا تبدیل به ضدفرهنگ شده‌اند. امثال ما که سرگرمی دیگری جز دیدن تلویزیون ندارند، تقاضا داریم مدیران پخش سیما نسبت به این موضوع توجه کنند.

قویدل از بسطام

پسر جوان جان باخت و زندگی بخشید

مرد جانباز، اعضای بدن پسرش را اهدا کرد

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

«پسرم دچار مرگ مغزی شده بود؛ اما قلبش هنوز می‌تپید و می‌توانست فرد دیگری را نجات دهد به همین دلیل من و همسرم که جانباز است تصمیم گرفتیم اعضای بدن او را اهدا کنیم.» این بخشی از صحبت‌های مادر پسر جوانی است که بر اثر سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شد اما اعضای بدن او به بیماران نیازمند اهدا و نجات‌بخش آنها شد.

به گزارش همشهری، این جوان ۳۳ساله بهرام افراسیابی نام داشت و ساکن شهر نهاوند بود. او با خودروی پژو ۴۰۵ مسافر به تهران می‌آورد. چند روز قبل او طبق معمول مسافرانش را از نهاوند به تهران رساند و چون مسافری به مقصد نهاوند نداشت، خودش به تنهایی به‌سوی شهرش به راه افتاد. او برای برگشت باید از جاده ساوه عبور می‌کرد. حدود ساعت ۷شب بود که بهرام به رباط کریم رسید. او با احتیاط در حال رانندگی بود که ناگهان با یک تریلی به‌شدت برخورد کرد. در جریان این تصادف بهرام به‌شدت آسیب دید و دقایقی بعد امدادگران اورژانس او را به بیمارستان منتقل کردند. بر اثر صدماتی که به سر بهرام وارد شده بود سطح هوشیاری او پایین بود و شرایط وخیمی داشت. به همین دلیل پزشکان همه تلاش خود را برای نجات او انجام دادند.

ساعتی پس از این حادثه بود که ماجرا به خانواده بهرام اعلام شد. شهرام افراسیابی، برادر بهرام در این‌باره می‌گوید: روز قبل از این حادثه من با برادرم بودم و مدارکم در ماشین او مانده بود. بعد از این حادثه با دایی‌ام تماس گرفته بودند و از روی مدارک و چون چهره من و برادرم شبیه به یکدیگر است گفته بودند نمی‌دانیم کسی که تصادف کرده شهرام است یا بهرام. دایی‌ام همان موقع با من تماس

گرفت و متوجه شد که برای من حادثه‌ای اتفاق نیفتاده و بهرام تصادف کرده است. به دایی‌ام گفته بودند که بهرام در تصادف پایش شکسته است و خواسته بودند که خودمان را به بیمارستان برسانیم. او در ادامه می‌گوید: برادرم در تصادف به‌شدت آسیب دیده بود. روز اول سطح هوشیاری‌اش ۳بود اما در روز دوم بعد از تصادف هوشیاری‌اش به یک رسید و درنهایت پزشکان گفتند که او دچار مرگ مغزی شده و دیگر به زندگی برنمی‌گردد. آنها گفتند بهترین کار این است که اعضای بدن بهرام را به بیماران نیازمند که از مدت‌ها قبل در انتظار دریافت عضو هستند اهدا کنیم.

این جوان در ادامه می‌گوید: من اول راضی به این کار نبودم؛ اما پدرم که جانباز جنگ تحمیلی است و دل بزرگی دارد همان ابتدا موافقت کرد. او گفت خودم همه زندگی‌ام را برای کشور گذاشته‌ام و حالا که پسرم دچار حادثه شده اعضای بدن او را به مردم اهدا می‌کنم. قلب و سایر اعضای بدن او هنوز زنده است و به جای اینکه زیر خاک برود بهتر است که به بیماران نیازمند هدیه شود. مادرم هم ماما است و با مسائل اهدای عضو آشنایی دارد. او هم با انجام این کار موافقت کرد و وقتی آنها رضایتنامه را امضا کردند پیکر برادرم برای انجام کارهای مربوط به اهدای اعضای بدنش به بیمارستان دیگری منتقل و درنهایت قلب، کبد، کلیه‌ها و نسوج او جداسازی و به بیماران نیازمند اهدا شد.

با گذشت چند هفته از حادثه‌ای که برای بهرام اتفاق افتاده اما مادر او همچنان این حادثه تلخ را باور ندارد و عزادار پسر جوانش است. او درحالی که اشک می‌ریزد در چند جمله به همشهری می‌گوید: پسرم جوان شادی بود. اهل کار و زندگی بود. هنوز باورمان نمی‌شود که این اتفاق برایش افتاده و جایش در خانه خالی است. هنوز فکر می‌کنم که او قرار است به خانه برگردد و وقتی یادم می‌افتد که او دیگر برنمی‌گردد دنیا روی سرم خراب می‌شود.

مادر داغدار بهرام در ادامه می‌گوید: بهرام دچار مرگ مغزی شده بود و احتمال بازگشت او به زندگی در حد صفر بود و ما تصمیم گرفتیم برای رضای خدا و کمک به بیماران نیازمند اعضای بدنش را اهدا کنیم و گفتیم هر عضوی که ممکن است بیماری را نجات دهد استفاده شود و حالا هم با اینکه عزادار عزیزمان هستیم اما از تصمیمی که گرفته‌ایم از صمیم قلب راضی هستیم. حتم داریم که بهرام هم از ما راضی است.

اسرار ناپدیدشدن مرد میانسال در سینه پسرش پنهان بود

جنایت بر سر ازدواج دوم پدر

جنایی

اسرار ناپدیدشدن پدر خانواده بعد از گذشت ۴ماه با دستگیری پسر او و اعترافاتش به جنایت، رازگشایی شد.

به گزارش همشهری، شروع این پرونده به روز سی‌ام مهر امسال برمی‌گردد.

آن روز زنی به کلانتری جامی رفت و گفت شوهر ۸۷ساله‌اش به طرز مشکوکی ناپدید شده و هیچ خبری از او نیست. وی توضیح داد: شوهرم محسن آخرین بار به من زنگ زد و گفت که در بازار است و می‌خواهد گردو بخرد اما پس از این تماس به طرز عجیبی غیبش زد. او چند سال قبل همسرش را از دست داده و به تازگی با هم عقد کرده بودیم. ما فرزندی نداریم اما محسن از همسر اولش، یک پسر ۴۲ساله به نام کیوان دارد که ازدواج کرده و در طبقه دوم ساختمان ما زندگی می‌کنند. یک روز قبل از اینکه شوهرم ناپدید شود، ما به باغی در اطراف تهران که متعلق به یکی از بستگانمان بود رفتیم. شوهرم چون کار داشت به خانه برگشت و من یک شب بیشتر در آنجا ماندم. روز بعد قبل از اینکه به خانه برگردم با شوهرم تماس گرفتم و او گفت که در بازار است و می‌خواهد گردو بخرد. پس از آن به خانه برگشتم اثری از شوهرم نبود و خانه کاملا بهم ریخته بود. ما مقداری پول برای روز مبادا پشت قاب عکس جاسازی کرده بودیم که همه آن سرقت شده بود. علاوه بر پول، بخشی از وسایل گران‌قیمت دیگر خانه هم به سرقت رفته بود که این اتفاق کمی عجیب به‌نظر می‌رسید. از همسایه‌ها پرس و جو کردم اما هیچ‌کس مورد مشکوکی ندیده بود. با پسر همسرم تماس گرفتم و متوجه شدم که آنها در حال رفتن به شمال هستند. به‌نظر می‌رسد ماجرای دستبرد به خانه با ناپدیدشدن شوهرم مرتبط است.

ردپای یک آشنا

با ثبت اظهارات این زن، پرونده‌ای تشکیل شد و گروهی از مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای جنایی تحقیقات برای یافتن ردی از مرد گمشده را آغاز کردند. همسایه‌ها مرد ناپدید شده را آخرین بار هنگام ورود به خانه‌اش دیده بودند اما کسی متوجه خروج او نشده بود. از سوی دیگر شبی که مرد میانسال ناپدید شد، پسرش در خانه خودشان بود اما روز بعد راهی سفر شده بود. مسئله دیگری که ذهن مأموران را مشغول کرده بود، اینکه پول‌هایی که پشت قاب عکس جاسازی کرده بودند هم سرقت شده بود و این نشان می‌داد که پشت‌پرده این ماجرا، فردی آشناست. در این شرایط تنها کسی که مورد ظن پلیس بود، پسر مرد گمشده بود که مأموران حدس می‌زدند از سرنوشت پدرش باخبر است.

حل معما

این مرد چند روز قبل بازداشت شد و اگرچه مدعی بود بی‌گناه است و اطلاعی از سرنوشت پدرش ندارد اما به دستور بازپرس جنایی در بازداشت ماند تا اینکه دیروز اسرار ناپدید شدن پدرش را فاش کرد و گفت که پدرش را به قتل رسانده است. او توضیح داد: وقتی مادرم فوت شد دچار افسردگی شدید شدم و حال خوبی نداشتم تا اینکه مدتی قبل متوجه شدم که پدرم قصد ازدواج مجدد دارد. من به‌شدت مخالفت کردم، چون دلم نمی‌خواست زن دیگری جای مادرم را بگیرد اما پدرم اهمیتی به مخالفت من نداد و زنی را به عقد خودش درآورد. نامادری‌ام اگرچه زن خوبی بود و همیشه به من و همسرم احترام می‌گذاشت اما چون جای مادرم را در خانه گرفته بود نمی‌توانستم تحمل کنم.

وی ادامه داد: از همان روزی که پدرم ازدواج کرد آتش کینه در دل من روشن شد و مدام بر سر مسائل مختلف از مالی گرفته تا خانوادگی با او درگیری داشتم. با وجود اینکه پدرم یکی از مغازه‌هایش را برای کاسبی به من داده بود اما به‌خاطر ازدواجش ناراحت بودم تا اینکه روز حادثه تصمیم گرفتم انتقام بگیرم.

پسر جوان ادامه داد: آن روز من به همراه یکی از دوستانم و همسرم به خانه پدرم که در طبقه اول ساختمان زندگی می‌کند رفتیم. وقتی متوجه شدم که پدرم تنهاست و نامادری‌ام نیست با او بر سر مسائل مالی و خانوادگی درگیر شدم و سپس با همدستی دوستم، پدرم را با ضربات چوب به قتل رساندیم.

وی ادامه داد: پس از قتل، جسد پدرم را داخل پتویی پیچیدیم و به بیابان‌های اطراف ورامین رفتیم. در آنجا گودالی کندیم و جسد پدرم را در آنجا دفن کردیم.

متهم ادامه داد: بعد از قتل، پول و اموال قیمتی را سرقت کردم. می‌دانستم پدرم پول‌هایش را پشت قاب عکس‌ها پنهان می‌کرد. سپس برای اینکه پلیس را فریب بدهیم به پیشنهاد همسرم به یکی از شهرهای شمالی کشور رفتیم تا وانمود کنیم تهران نبوده‌ایم. حتی از همسرم خواستم برای احوالپرسی با نامادری‌ام تماس بگیرد و درواقع هدفمان این بود که پلیس به ما مشکوک نشود اما ماجرا آنطور که تصور می‌کردیم پیش نرفت و در نهایت دستمان رو شد.

پس از اقرار پسر و راهنمایی‌های وی، مأموران راهی محل دفن جسد شدند و جنازه مرد گمشده را کشف کردند. از سوی دیگر همسر وی بازداشت شد اما در تحقیقات خودش را بیگناه دانست. او گفت: شوهرم دروغ می‌گوید که من با او همدست و شاهد قتل بوده‌ام. من نقشی در جنایت نداشتم و از سرنوشت پدرشوهرم بی‌اطلاع بودم. زوج جوان با قرار قانونی بازداشت شده‌اند و تحقیقات از آنها ادامه دارد. از سوی دیگر تحقیقات برای بازداشت متهم سوم نیز ادامه دارد.

پایان ۷۰ روز گروگانگیری ۴۰ میلیاردی

انتظامی

پسر جوانی که ۷۰روز پیش توسط گروهی مسلح دزدیده شده و به خارج از کشور منتقل شده بود با تلاش پلیس آگاهی کرمان و اینترپل آزاد شد.

به گزارش همشهری، ۷۰روز پیش پسر ۲۱ساله‌ای به نام دانیال در حال رفتن به خانه‌شان در زیدآباد سیرجان بود که خودرویی راهش را سد کرد و چند مرد جوان که سر و صورتشان را پوشانده بودند از آن پیاده شدند. مردان غریبه سلاح به‌دست داشتند و با تهدید دانیال را سوار ماشین خود کرده و ربودند. آدم‌ربایان پس از ربودن پسر جوان با خانواده‌اش تماس گرفتند و در ازای آزادی او درخواست ۴۰میلیارد تومان پول نقد کردند. اما پدر دانیال که یکی از مهندسان خوشنام شهر بود، چنین پولی برای آزادی پسرش نداشت.

با گزارش ماجرا به پلیس، تیمی از کارآگاهان برای دستگیری آدم‌ربایان و آزادی جوان ربوده شده وارد عمل شدند. درحالی که تهدیدهای آدم‌ربایان ادامه داشت، تیم تحقیق که بررسی‌های گسترده‌ای را برای ردیابی آنها در دستور کار قرار داده بودند به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد گروگانگیران چند روز پس از آدم‌ربایی، جوان ۲۱ساله را از مرز خارج کرده و به یکی از کشورهای همسایه منتقل کرده‌اند. هر چند خروج گروگان از کشور، کار را برای تیم‌های تحقیق مشکل کرده بود اما کارآگاهان به بررسی‌های خود ادامه دادند تا اینکه موفق شدند محل دقیق نگهداری گروگان را در کشور همسایه شناسایی کنند.

دانیال پس از ۷۰ روز آزاد شد و در آغوش مادرش قرار گرفت

سردار عبدالرضا ناظری، فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی که پس از ۶۰روز کار اطلاعاتی و بی‌وقفه موفق به شناسایی مخفیگاه آدم‌ربایان در کشور همسایه شده بودند، اطلاعات به‌دست آمده را در اختیار اینترپل ایران قرار دادند و به این ترتیب تلاش‌های بین‌المللی برای آزادی گروگان آغاز شد. خوشبختانه اینترپل ایران با همکاری اینترپل کشور همسایه عملیات آزادی گروگان را کلید زد و به این ترتیب پلیس کشور همسایه توانست در یک عملیات ضربتی دانیال ۲۱ساله را پس از ۷۰روز اسارت از دست آدم‌ربایان نجات دهد.

سردار ناظری ادامه داد: دانیال پس از آزادی در اختیار مرزبانی ایران قرار گرفت و حدود ساعت ۱۱نیمه‌شب سه‌شنبه وی به کرمان منتقل و در مرکز فرماندهی انتظامی استان کرمان، در آغوش خانواده‌اش قرار گرفت.

با آزادی جوان ۲۱ساله، تحقیقات پلیس برای دستگیری عوامل این گروگانگیری ادامه دارد.

مرگ هولناک کودک ۸ساله در «سگ‌دعوا»

«سگ‌دعوا» عنوان بازی‌ای است که در آن سگ‌ها را برای تفریح به جان یکدیگر می‌اندازند. در جریان این بازی خطرناک و غیرانسانی و تیراندازی چند جوان در شهرستان بردسکن، کودکی ۸ساله هدف گلوله قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

به گزارش همشهری، این حادثه در روستای رحمانیه بردسکن واقع در استان خراسان رضوی اتفاق‌افتاد. ماجرا از این قرار بود که تعداد زیادی از جوانان روستا برای بازی سگ دعوا جمع شده بودند. در این میان چند نفر نیز اسلحه شکاری به‌دست داشتند و گاهی تیراندازی می‌کردند. یکی از افراد مسلح بعد از شلیک گلوله، وقتی می‌خواست فشنگ در اسلحه‌اش قرار دهد ناگهان دستش روی ماشه رفت و شلیک کرد. گلوله شلیک شده ناخواسته به پسر ۸ساله‌ای که آنجا حضور داشت اصابت کرد و جان او را گرفت. به‌دنبال این حادثه تلخ، پرونده‌ای قضایی در این‌باره تشکیل و تحقیقات آغاز شد. عباس درودی‌نیا، دادستان بردسکن در این‌باره گفت: به‌دنبال وقوع این حادثه ۸نفر بازداشت شدند و ۵قبضه سلاح شکاری نیز از آنها کشف و توقیف شد.

او درباره چگونگی جان‌باختن کودک ۸ساله گفت: زمانی که متهم اصلی قصد تعویض خشاب را داشت، ناگهان گلوله شلیک شده و به این کودک اصابت کرد که تحقیقات در این‌باره ادامه دارد و تمامی مسئولان محلی که در این حادثه قصور داشته باشند با آنها برخورد جدی خواهد شد.

او در ادامه گفت: بخشداران، دهیاران و نیروهای انتظامی باید قبل از برگزاری این حرکات از برگزاری آن جلوگیری و یا گزارش آن را به مراجع ذیصلاح اعلام کنند. در این رابطه پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شده است و مقصران و قاتل این کودک بازداشت شده‌اند.

کوتاه از حادثه

راننده سمند هنگام فرار از دست پلیس، دختربچه‌ای را زیر گرفت

مرگ دردناک دختر فال‌فروش

راننده خودروی سمند وقتی با دستور ایست پلیس مواجه شد، تصمیم به فرار گرفت که تصمیم او به قیمت جان دختربچه فال‌فروش منجر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه نیمه‌شب سه‌شنبه در خیابان مطهری واقع در عبدل‌آباد رخ داد. ماجرا از این قرار بود که شب حادثه مأموران گشت پلیس آگاهی تهران به یک خودروی سمند که پلاک آن مخدوش شده بود مشکوک شدند و به راننده آن دستور ایست دادند. راننده سمند اما به جای توقف، سرعت خودرو را بیشتر کرد و تصمیم به فرار گرفت. راننده سمند که با حرکات مارپیچ و خطرناک در حال فرار از دست پلیس بود، ناگهان با دختری که کودک کار بود و سر چهارراه‌ها فال می‌فروخت برخورد کرد. دختربچه که حدود ۷سال داشت، حدود ۱۰۰متر زیر چرخ‌ها کشیده شد و بعد از این اتفاق دردناک، راننده سمند موفق شد از دست پلیس فرار کند. شاهدان با اورژانس تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. از سوی دیگر ماموران کلانتری خانی‌آباد نیز در محل حادثه حضور یافتند. بالای سر دختر بچه، دختری نوجوان ایستاده و بی‌تابی می‌کرد. وقتی اورژانس رسید مشخص شد که دختربچه جانش را از دست داده‌است. در این شرایط بود که گزارش این حادثه به بازپرس جنایی تهران اعلام شد. او دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی و انجام تحقیقات بیشتر را صادر کرد. تیم جنایی پایتخت که در محل حادثه حضور یافت، دست به تحقیقات بیشتر زد و مشخص شد که دختربچه به همراه خواهرش در چهارراه‌ها فال می‌فروخته است. شاهدان می‌گفتند که او و خواهرش را هر روز در محله عبدل‌آباد می‌دیدند. از سوی دیگر مادر و پدر کودک جان‌باخته راهی کلانتری شده و از قاتل دخترشان(راننده فراری سمند) شکایت کرده‌اند. آنطور که بررسی‌ها نشان می‌داد کودک جان‌باخته هر روز صبح به همراه خواهرش در چهارراه حاضر شده و به فروش فال می‌پرداختند که در جریان تعقیب و گریز، چنین حادثه مرگباری برایش رقم خورد. هم‌اکنون گروهی از مأموران پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی، مأمور شدند تا با انجام تحقیقات بیشتر، راننده فراری سمند را دستگیر کنند تا جزئیات بیشتری از این ماجرا فاش شود.

پلیس در تعقیب سارقان میگو

پلیس پایتخت در جست‌وجوی ۲ مرد نقابدار است که پس از سرقت نیسان، بار آن را که میگو بود دزدیدند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل راننده خودروی نیسانی به اداره پلیس رفت و خبر از سرقت ماشین به همراه بارش داد. وی توضیح داد: از شهرستان، میگو بار زدم که ارزش آن حدود ۴۰۰میلیون تومان بود. سپس از آنجا راهی تهران شدم تا میگوها را به‌دست مغازه داری در تهران برسانم. وقتی به محله‌های جنوب غربی پایتخت رسیدم ماشینم را کنار خیابان پارک کردم و به سمت یک مغازه رفتم تا سیگاری بخرم. بعد از خرید سیگار متوجه شدم که ماشینم سرقت شده است.

با این شکایت، مأموران راهی محل سرقت شدند و پس از بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته مشخص شد که ۲ مرد نقابدار، خودرو را سرقت کرده‌اند. در این شرایط مشخصات خودروی نیسان در اختیار همه واحدهای گشتی قرار گرفت تا اینکه بعد از گذشت ۱۲ساعت ماشین سرقتی در یکی از محله‌های پایتخت کشف شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که بار میگو سرقت شده و این یعنی دزدان هدفشان سرقت بار نیسان بوده است. به‌دنبال این حادثه، گروهی از مأموران پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت، تحقیقات خود را در این‌باره آغاز کردند تا به‌زودی سارقان نقابدار را شناسایی و دستگیر کنند.

برخورد آتشین بیل مکانیکی با لوله گاز

برخورد بیل مکانیکی با لوله گاز شهری در مشهد انفجار مهیبی را رقم زد و موجب تخریب ۴مغازه و مصدومیت ۱۲نفر شد.

به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۳بامداد دیروز (چهارشنبه) در میدان طبرسی مشهد اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که یک دستگاه بیل مکانیکی در آنجا در حال حفاری بود که ناگهان با لوله گاز شهری برخورد کرد. بر اثر این برخورد گاز در آن محدوده نشت کرد و ناگهان انفجار مهیبی اتفاق افتاد. شدت این انفجار به حدی بود که ۴مغازه ویران شد و ۱۲نفر نیز مصدوم شدند.

مجید فرهادی، مدیرعامل آتش‌نشانی مشهد در این‌باره گفت: به‌دنبال وقوع این حادثه بلافاصله گروه‌های اطفای حریق از ایستگاه‌های ۲، ۴۴ و ۴۶ به محل اعزام شدند. آتش‌نشانان به محض حضور در محل مشاهده کردند که انفجار موجب تخریب ۴ باب مغازه و شکسته شدن شیشه‌های تعدادی واحد تجاری در اطراف میدان طبرسی و ایراد خسارت به چند دستگاه خودروی سواری و مجروح شدن چند نفر از افراد حاضر در محل شده است.

او ادامه داد: آتش‌نشانان ضمن ایمن‌سازی محل انفجار برای جلوگیری از حوادث احتمالی دیگر، مصدومان این حادثه را برای مداوا به تکنیسین‌های اورژانس تحویل دادند و با حضور عوامل شرکت گاز جریان گاز شهری محل قطع شد.

در همین حال، محمد علیشاهی، مسئول روابط اورژانس ۱۱۵ مشهد نیز در این‌باره گفت: به‌دنبال حادثه انفجار گاز شهری در میدان طبرسی بلافاصله ۵ دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام و ۱۲ نفر که در پی این حادثه دچار جراحت شده بودند نیز به بیمارستان‌های شهید هاشمی‌نژاد و شهید کامیاب منتقل شدند.

براساس این گزارش علت دقیق وقوع این حادثه و میزان خسارات مالی توسط کارشناسان مربوطه در دست بررسی است.